



خان است که در سال ۱۸۹۷م در دیره دون هند انگلیسی بدنیا آمد. سلیمان خان عمومی نادرشاه بود و بدینگونه احمدعلی سلیمان پسر عمومی نادر دست‌نشانده انگلیس‌ها در امارت افغانستان بود. احمدعلی سلیمان در سال ۱۹۲۳ بعنوان یاور ( Aide-do-camp ) پادشاه امان‌الله خان برگزیده شد ولی با ازدواج با دختر شهزاده؛ موسی خان ناخشنودی امان‌الله خان را نسبت به خود برانگیخت. در سال ۲۴-۱۹۲۳ والی جلال‌آباد مقرر گردید و در جون ۱۹۳۱ بعنوان وزیر مختار افغانی به پاریس رفت که بعداً "در همین مقام به برلین منتقل شد. در سال ۱۹۳۳م در کنفرانس اقتصادی در لندن از افغانستان نمایندگی کرد و در جولای ۱۹۳۳م از وظیفه برکنار گردیده بتاريخ اکتوبر ۱۹۳۳م به کابل برگشت. در کابل بعنوان وزیر معارف و در سال ۱۹۳۷م بعنوان سفیر افغانی در تهران و در سال ۱۹۳۹م بعنوان سفیر افغانی در لندن و در سال ۱۹۵۳م به سمت وزیر دربار در کابل خدمت کرد و در سال ۱۹۶۳م بازنشسته گردید. خانواده سلیمان از خانواده شناخته شده در افغانستان بودند که مخصوصاً در وزارت خارجه پست‌های زیادی را بخود اختصاص داده بودند و بقول افغانان سرشناس این خانواده برای خود وزارتی جداگانه داشتند که آنهم وزارت امور خارجه بود.

احمد بخش: طبق گزارشی، میرزا احمد بخش همراه با میرزا عبدالقادر در اوایل ماه مارچ ۱۹۱۹م به قسطنطنیه فرستاده شد تا خبر تخت‌نشینی امیر امان‌الله خان را بمطالع آن کشور برساند. در دسامبر ۱۹۱۹م با عبدالقادر یاد شده به کابل برگشت و با امیر کابل مذاکرات خصوصی انجام داد و نیز اعلامیه پان اسلامی را بر ضد انگلیس از قسطنطنیه به کابل آورد که در مسجد جامع آن شهر در حضور امیر کابل وعده زیاد از ما موران عالی مقام افغانستان ایراد کرد. و بدینگونه توجه عده زیادی از مردم را نسبت به اتحاد مسلمانان بر ضد انگلیس‌ها جلب نمود.

احمد خان: سردار احمد خان برادر ناتنی امیر شیرعلی خان و از سوی مادر سردوزائی می‌باشد. یادگذشت امیر دوست محمد خان و در سال ۱۸۶۳م در زمان افضل خان در ترکستان افغان بخدمت حکومت گرفته شد. اما بنا بر تحریک امیر شیرعلی خان همراه با برادرش محمدزمان خان وظایف خود را ترک داده به سپاه خود به کابل شتافت. هر چند که از وفاداران افضل خان بحساب می‌آمدند، اما، چون ظاهراً با شیرعلی خان نیز مخالفتی از خود نشان نداده بودند بنابراین مورد شمتت قرار نگرفتند، معهداً در سال ۱۸۶۵م که امیر شیرعلی خان بی‌تفاوتی‌شانرا نسبت بخود مشاهده نمود ب فکر تعقیب‌شان افتاد و در سپتامبر ۱۸۶۸م آنان را بجرم همراهان افضل خان، دستگیر نمود و هر چند که می‌خواست حکم اعدام آنانرا صادر کند ولی وضع طوری شد که از اعدام آنان صرف‌نظر نمود

و بعد از مدتی که از توقیفشان گذشت در اکتوبر ۱۸۶۸م دو برادر یاد شده را همراه برادر سومین که بنام عمرخان یاد می شد از کابل به ناحیه خودمختار نوزی بنام وزیرتبعید کرد. در این گروه فیروزخان فرزنداحمدخان نیز همراه بود. زمان خان در امبالا درگذشت و احمد خان در سپتامبر ۱۸۸۰م بنا بر تقاضای عبدالرحمن خان به کابل برگشت. اول مورد توجه قرارنگرفت ولی بعدا در دربار جزو ملازمان و دردادگستری کوچک آنروزگار در ردیف قاضیان قرار گرفت. اما در دسامبر ۱۸۸۶م او و برادرانش عمرخان و حبیب الله خان و پسر خالویش محمدامان خان از کابل به پیشاور تبعیدگردیدند و چون دست این گروه را در شورش و قیام گلجائیها دخیل می دانستند بنا بر این همه مایملک و دارائی شانرا امیر عبدالرحمن خان مصادره و ضبط کرد.

احمد شاه خان: سردار احمد شاه فرزند سردار محمد آصف خان که در حوالی سال ۱۸۸۹م در دیره دون هندانگلیسی بدنیا آمد و از عشیره محمدزائی است و بتاريخ ۱۹۰۱م به افغانستان برگشت. در سال ۱۹۰۷م با امیر حبیب الله پدر امان الله خان در سفر هندوستان همراه بود و در شب قتل امیر موصوف که در سال ۱۹۱۹م در شکارگاه ایمنان اتفاق افتاد نیز فرمانداری گارد محافظ و نگهبانان را به عهده داشت. به این علت است که عده ای او را در کشتن امیر یاد شده دی دخل میدانند. احمد شاه با خواهر شاه غاسی علی احمد خان که والی کابل و شوهر خواهر امان الله خان بود، ازدواج کرد ولی به این خانم اکتفا نکرده زن دیگری از دودمان امیر شیرعلی خان نیز به عقد ازدواج خود درآورد. در زمان شاه امان الله "یاور حضور" بود و در سال ۱۹۲۹م از طریق هند به اروپا اعزام شد تا کمک نادر و برادرانش را به بچه سقو جلب کند. در اوایل سال ۱۹۳۰ به کابل برگشت و در اپریل ۱۹۳۰م بعنوان وزیر دربار مقرر گردید و در مارچ ۱۹۳۲م برای زیارت خانه کعبه به مکه رفت و بعنوان وزیر مختار با عربستان سعودی در باب معاهده دوستی و مودت گفتگو نمود. دختر بزرگش بنام حمیرا بتاريخ نوامبر ۱۹۳۱ به عقد ازدواج محمد ظاهر (پادشاه افغانستان) درآمد و بتاريخ نوامبر ۱۹۳۶م به هند رفت. هر چهار خواهر احمد شاه خان به ترتیب به عقد محمد نادرشاه و محمد عزیز برادر نادر و عبدالغنی و محمد اکبر خان درآمدند. احمد شاه تا سال ۱۹۵۱م زنده بود و در همین سال درگذشت.

۱- خانم ارجمند ایرانی که در زمان شورش امیر حبیب الله معروف به "سجه سفا" در کابل بوده در باره فرستادن احمد علی رئیس بلده کابل نزد سفا چس گزارش میدهد. در ناحیه موسوم به کوه دامن، شمالی کابل از سه سال قبل یکدسته مردم حسود و برطاعتی اغتشاش انداخته که رئیس آنها سید حسین و میرزا حبیب الله بودند و میرزا حبیب الله

مشهور به بچه سقا می باشد در ایام اخیر که نارضائی مردم از بعضی کارها زیاد شده بود بر قوه میرزا حبیب الله افزوده گشت و غفلتا به پیمان آمده کوس یا غی گری کوفت و کار دزدی و راهزنی را ترک کرده گفت من حامی ملت هستم . . . . . اعلیحضرت امیر ( منظور شاه امان الله است ) مکتوبی بنام بچه سقا نوشته قرآن مهر کردند و به همراه احمد علی خان رئیس بلدیة فرستادند که ما با تو کاری نداریم و اگر همراه باشی همه گونه مساعدت خواهی دید و بسرکردگی سپاه مقرر می شوی و هر چه خواهی بتو اعطاء می شود ، میرزا حبیب جواب داده بود من حالا که دولت را در سختی و فشار می بینم هیچ چیز نمی خواهم و حاضرم بجنگ مخالفین امیر صاحب بروم بشرطی پانصد تنگ و هر تنگی پانصد فشنگ بادو هزار اسب برای ما بدهند و بخودم و سیدحسین هر کدام ماهی سه هزار افغانی و به نوکرهایم هر یک صدوپنجاه افغانی بدهید ، تمام این پیشنهادهای را اعلیحضرت قبول و اسلحه و پول بها و تسلیم شد . . . . .

بعد از آنکه رئیس بلدیة همه را تحویل داد میرزا حبیب او را در اطاقی توقیف کرده خود پشت تلفن آمده با اعلیحضرت مشغول مکالمه میشود و میگوید اعلیحضرت من رئیس بلدیة هستم و با نهایت زبردستی بچه سقا را توقیف کردم حالا باوی چگونه رفتار شود - اعلیحضرت بگمان صداقت طرف میفرمایند فوری او را بکشید - در این وقت بچه سقا جسارت هائی کرده میگوید شما برای من قرآن مهر کرده اید و حالا که چنین میگوئید پس من هم . . . . . " نقل از روزنامه حبل المتین ، مورخ سه شنبه ۹ بهمن ۱۳۰۷ ش ش ۶۰۵ ص ۰۵ مرحوم غبار مورخ معروف افغانستان این نکته را به اختصار آورده است ولی میگوید که احمد علی بعنوان رئیس تنظیمه کاپیسا و پروان یعنی همان نواحی بچه سقا مقرر شده بود و به این مقام بود که با حبیب الله بچه سقا و سیدحسین گفتگو کرد و عهدنامه و آنهم در حاشیه قرآن با دو نفر مذکور امضاء کرد در این معاهده بچه سقا قبول کرد که از مخالفت با دولت و شرارت دست بکشد ، در مقابل دولت تعهد نمود که جرایم بچه سقا و رفقایش را عفو بنماید و نیز شاه امان الله عنوان وزیر حربیه و وزیر مالیه و احمد علی خان رئیس تنظیمه فرمانتایی صادر و تعهد احمد علی خان را با دزدان تصدیق و دادن ۸۲ تنگ جاغوردار " ۳۰۳ " و ۱۶۴۰ گده کارتوس ( فشنگ ) را با معاش سالانه سه هزار افغانی بهر یک از دزدان مذکور ، و معاش سالانه ۳۶۰ افغانی به هر یک نفر از دسته دزدان ، امر نمود ازین بعد احمد علی خان ، بچه سقا و دسته او را به صفت دزد نه ، بلکه به صفت عمال حکومت در کاپیسا و پروان مقرر نمود که در تمام نواحی مشغول جمع آوری سرباز برای مرکز کابل باشد .